

اشنایایی با تفسیر شُبْر

بخش دوم

عین علیزاده

اشاره

در قسمت نخست این نوشتار گفتیم که آن را در چهار بخش تنظیم کرده ایم. در شماره پیشین، بخش نخست را که شامل زیستنامه مرحوم شُبْر و قسمتی از بخش دوم بود، خواندید. در این شماره، قسمت پایانی آن را که ادامه بخش دوم و حاوی بخش سوم (کاستیها) و نسخه شناسی (بخش چهارم) است، مطالعه می فرمایید.

بحثهای کلامی

یکی دیگر از ویژگیهای تفسیر شُبْر، پرداختن به مسائل کلامی است. مفسّر محترم، ذیل آیات اعتقادی، به فراخور حجم تفسیر، دیدگاههای کلامی خویش را بیان کرده است. برخی از این بحثها را برگزیده ایم که در پی می آید:

الف. امامت و رهبری

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^(۱)

مرحوم شُبْر بر این باور است که این آیه بر وجود اولی الامر در هر زمانی دلالت دارد و پیروی از اولی الامر به سبب دانش و برتری و عصمتشان واجب است. همچنین سبب و دلیل تکرار فعل «أطیعوا» را بیان می کند. او ذیل این آیه می نویسد:

«دلّ علی وجود أولى الأمر فی کلّ زمان بحيثّ یجب طاعتهم لعلمهم و فضلهم و عصمتهم و لا ینطبق إلاّ علی مذهب الإمامیة، و فصل بین الله و الرسول بالفعل للبینونة بین الواجب و الممكن و لم یفصل بینه و بین أولى الأمر اشارةً الی أنهم واحد، و عنهم **علیه السلام**: إیانا عنی خاصّةً، أمر جمیع المؤمنین الی یوم القیامة بطاعتنا.»^(۱)

ب. رجعت

رجعت از عقاید معروف شیعه است که تبیین آن در یک عبارت کوتاه چنین است: پس از ظهور حضرت مهدی **علیه السلام** و در آستانه رستاخیز، گروهی از «مؤمنان خالص» و کافران و طاغیان شورو» به این جهان باز می‌گردند. گروه اول مدارجی از کمال را طی می‌کنند، و گروه دوم کیفرهای شدیدی می‌بینند.^(۲)

آیات گوناگونی در قرآن هست که بر مسأله رجعت دلالت دارد، ولی درباره دلالت برخی از آنها بر رجعت، میان مفسران اختلاف است.^(۳)

مرحوم شُبْر در ذیل برخی از این آیه‌ها به مسأله رجعت اشاره می‌کند^(۴). ما یک نمونه را در این جا می‌آوریم:

﴿یَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ یَكْذِبُ بآیَاتِنَا فَهُمْ یُرْزَعُونَ﴾^(۵)

و آن روز که از هر امتی، گروهی را از کسانی که آیات ما را تکذیب کرده‌اند محشور می‌گردانیم، پس آنان نگاه داشته می‌شوند تا همه به هم ببینند.

مرحوم شُبْر در پایان این آیه می‌نویسد:

«و فُتِرَتْ فِی الْأَخْبَارِ بِالرُّجْعَةِ وَ أَمَّا الْحَشْرُ الْأَكْبَرُ فَقَوْلُهُ: ﴿وَ حَشْرُنَا هُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ

۱. سید عبد الله شُبْر، تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شُبْر)، ص ۱۵۳. برای آگاهی بیشتر، بنگرید به: بقره/۳۴،

آل عمران/۷، نساء/۸۳، مائده/۵۵-۵۶، احزاب/۳۶، تحریم/۴ و....

۲. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۵.

۳. برای اطلاع بیشتر به تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۰۸-۱۰۶. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۶۴ و ۲۵۹، ج ۲، ص ۲۲۲،

ج ۱۵، ص ۵۴۹-۵۶۹ مراجعه فرمایید.

۴ بقره/۳ و ۵۶، نمل/۸۳ و مؤمن/۱۱.

۵. نمل/۸۳.

أحداً^(۱)»

این آیه (آیه پیشین) در روایات^(۲) به رجعت تفسیر شده است. (ولی از آن، روز رستاخیز استفاده نمی‌شود) بلکه آیه ۴۷ از سوره کهف بیانگر حشر اکبر (روز رستاخیز) است.

ج. بداء

بداء در لغت به معنای آشکار شدن کامل است.

راغب می‌نویسد:

«بدا الشيء... ای ظهر ظهوراً بَيِّنًا.»^(۳)

طریحی در این باره می‌نویسد:

«بدا له فی الأمر اذا ظهر له استصوابُ شيء غير الأول.»

برای او در کارش بداء حاصل شد؛ یعنی درست بودن شیئی غیر از شیء نخست برایش آشکار شد.

آن گاه در ادامه می‌نویسد:

«والاسم منه البداء - كسلام - وهو بهذا المعنى مستحيل على الله تعالى، كما جاءت به الرواية عنهم عليهم السلام «بأن الله لم يبدُ له من جهل.»^(۴)

بداء، مانند سلام، اسم مصدر است و به این معنی (که گذشت) بر خداوند، محال است، همان گونه که از معصومان عليهم السلام درباره بداء روایت شده که فرموده‌اند: برای خداوند از سر نادانی، بداء حاصل نشده است.

آیه‌ای که از دیر باز در میان مفسران به آیه بداء معروف و معركة آرای آنان است، آیه ۳۹ سوره رعد است. بداء از باورهای کلامی شیعه است. از این رو اهل سنت، شیعه را

۱. کهف/۴۷.

۲. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۰۶ و ۱۰۹، شمار این روایات را صدها روایت می‌داند و احتمال می‌دهد که بیش از پانصد روایت باشند و بر این باور است که روایاتی که رجعت را ثابت می‌کنند، متواتر معنوی هستند.

۳. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، مادة بداء.

۴. فخر الدین طریحی، مجمع البحرين، ج ۱، مادة بداء.

سرزنش نموده‌اند به این گمان که این طایفه به خداوند نسبت تغییر رأی داده و این نسبت بیانگر جهل خداوند است. این انگاشته، پندار باطلی بیش نیست، چرا که شیعه هرگز چنین باوری نداشته و ندارد. کتابهای کلامی شیعی بیانگر دیدگاههای کلامی آنان است و به رغم این تصور نادرست، شیعه اعتقاد راسخ دارد که خداوند: ﴿كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِى شَأْنٍ﴾^(۱)، ﴿إِنَّ رَبَّكَ فَعَالٌ لِّمَا يَرِيدُ﴾^(۲)، ﴿يَزِيدُ فِى الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ﴾^(۳)، ﴿بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ﴾^(۴)... است. البته خداوند قانونها و وعده‌هایی تغییر ناپذیر دارد که در اصطلاح دانش کلام از جایگاه آنها به «لوح محفوظ» یا «أمّ الكتاب» یاد می‌شود و نیز اراده‌های نوبه نو و تازه‌ای دارد که در اصطلاح اندیشه‌وران علم کلام، جایگاه آنها، «لوح محو و اثبات» است. اصطلاح نخست برگرفته از آیه آخر (۲۲) سوره بروج و دو اصطلاح اخیر برگرفته از آیه مورد بحث (رعد/۳۹) است.^(۵)

مرحوم شبر در ذیل این آیه می‌نویسد:

﴿يُمحُو الله ما يشاء﴾ مما كان ثابتاً من رزق و أجل و سعادة و شقاوة ﴿و يثبت﴾ ما يشاء منها مما لم يكن ﴿و عنده أمّ الكتاب﴾ اصله، و هو اللوح المحفوظ الذى لا يتغير ما فيه.^(۶)

خداوند اموری را که از پیش ثابت و استوار بوده است؛ مانند: روزی، گاه جان سپردن، خوشبختی و بدبختی را می‌زداید و آنچه از این امور را که قرار نبوده ثابت و پابرجا باشد، استوار و پابرجا می‌کند و أمّ الكتاب و اصل آن در نزد اوست. أمّ الكتاب همان لوح محفوظ است که هر چه در آن است، تغییر ناپذیر است.

۱. الرحمن/۲۹.

۲. هود/۱۰۷.

۳. فاطر/۱.

۴. مائده/۶۴.

۵. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۰، ص ۳۷۵ به بعد؛ ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۲۴۱ به بعد؛ الملل و النحل، ج ۶، ص ۳۱۹ به بعد؛ البده، هر دو از استاد جعفر سبحانی و قرآن کریم، برگردان بهاء الدین خز مشاهی، پانویشت آیه مورد بحث.

۶. سید عبد الله شبر، تفسیر القرآن الکریم، ص ۳۸۳.

د. تقیه

تقیه به معنای خودداری از اظهار عقیده و مذهب، برای حفظ جان و آبرو و مال است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿لَا يَتَّخِذُ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً﴾^(۱)

مؤمنان نباید کافران را - به جای مؤمنان - به دوستی بگیرند و هر که چنین کند، در هیچ چیز [او را] از [دوستی] خدا [بهره‌ای] نیست، مگر این که از آنان به نوعی تقیه کند و خداوند، شما را از [عقوبت] خود می‌ترساند، و بازگشت [همه] به سوی خداست.

مرحوم شبّر در ذیل این آیه می‌نویسد:

«موالات و دوستی با کافران هنگامی است که مسلمانان از کافران بترسند و در عین حال کینه آنان را در دل خویش پنهان نمایند. این همان تقیه‌ای است که امامیه بدان اعتقاد دارد. اخبار متواتر و آیه ﴿إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ﴾^(۲) (مگر آن کس که مجبور شده [ولی] قلبش به ایمان اطمینان دارد).^(۳) بر آن دلالت دارد.»^(۴)

مباحث علوم قرآنی

ویژگی دیگر تفسیر شبّر، بحثهای علوم قرآنی آن است. از آن جا که این موضوع نیز گسترده و دارای عناوین گوناگونی است، به سان ویژگیهای پیشین به یادکرد برخی از مباحث آن بسنده می‌کنیم:

الف. مکی، مدنی ...

در آغاز هر سوره، مکی، مدنی، آیاتی که استثناء شده‌اند و نیز ترتیب نزول سوره را نوشته است؛ مثلاً در آغاز سوره ابراهیم چنین آورده است:

۱. آل عمران/۲۸.

۲. نحل/۱۰۶.

۳. ترجمه دو آیه بالا برگرفته از ترجمه آقای فولادوند است.

۴. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: محمد جواد مغنیه، الجوامع والفوارق بین السنة و الشيعة، ص ۲۲۳، به بعد.

«سوره ابراهیم مکی است بجز آیه‌های ۲۸ و ۲۹ (که در مدینه نازل شده‌اند). ۵۲ آیه دارد. پس از سوره نوح، فرود آمده‌است.»
 ناگفته نماند که تفسیر شُبْر بر اساس ترتیب کنونی قرآن است.

ب. قرائت

ویژگی منحصر به فرد این تفسیر، آوردن قرائت‌های گوناگون است که مفسّر محترم آنها را به صورت پانویس آورده‌است. از این رو بیشتر پاورقی صفحات این تفسیر به بیان قرائات مختلف اختصاص یافته است و این خدمت بزرگی به دانش تجوید است. البته تفسیر شُبْر بر اساس قرائت عاصم از حفص است.

ج. اسباب نزول

مؤلف اسباب نزول آیات را آن‌جا که لازم دانسته، آورده و بدین وسیله از آنها برای تبیین و تفسیر آیات کمک گرفته است؛ مانند آیه ۵۱ سوره نساء و آیه ۶۷ سوره مائده. مرحوم شُبْر در ذیل این آیه می‌نویسد:

«از اهل بیت و ابن عباس و جابر نقل شده که: خداوند به پیامبرش (حضرت محمد ﷺ) وحی فرمود تا علی (علیه السلام) را جانشین خود نماید، ولی پیامبر ﷺ می‌ترسید که این کار بر گروهی از یارانش گران آید. آن‌گاه این آیه (برای رفع نگرانی پیامبر ﷺ درباره امامت علی (علیه السلام)) فرود آمد. سپس فرمود: آیا من از شما به خودتان سزاوارتر نیستم؟

یاران پاسخ دادند: آری (هستی).

سپس فرمود: هر کس من مولای اویم، علی نیز مولای اوست.»

د. ناسخ و منسوخ

اهمیت ناسخ و منسوخ و شناخت این دو، بسیار ویژه و والا است، به گونه‌ای که پیامبر اکرم ﷺ در این باره فرمود:

«من أفتى الناس و هو لا يعلم الناس من المنسوخ ... فقد هلك و أهلك»^(۱)

هر کس احکام خداوند را برای مردم بیان کند و در حالی که ناسخ را از منسوخ باز نمی‌شناسد ... خود و دیگران را نابود کرده است.

دانشمندان، تعریفهای گوناگونی را از نسخ به دست داده‌اند. با این حال، همه به یک حقیقت اشاره دارند:

«نسخ، برداشتن قانون پیشین، که ظاهرش اقتضای استمرار داشت، به وسیله قانون پسین است، به گونه‌ای که اجتماع آن دو (ناسخ و منسوخ) یا ذاتاً ناممکن می‌نمود؛ مانند جایی که تنافی آنها آشکار باشد، یا اصلی ویژه مانند اجماع یا نصی روشن، تنافی آن دو را بیان کرده باشد»^(۲)

اندیشه‌وران مسلمان، رویکردی ویژه به مسأله ناسخ و منسوخ داشته‌اند. به همین سبب افرادی بی‌شمار در این باره، تألیفهایی مستقل را به رشته تحریر درآورده‌اند.^(۳) نخستین کسی که این موضوع را هنرمندانه بررسی و اصول آن را به گونه‌ای فراگیر، تدوین و گردآوری کرد، ابو محمد عبد الله بن عبد الرحمان الاصم المسمعی از یاران امام صادق علیه السلام بود. وی رساله‌ای درباره ناسخ و منسوخ در قرآن دارد.^(۴)

نکته دیگر آن که شمار آیه‌های نسخ شده در قرآن، گوناگون است. ابو بکر نخاس در کتاب خود *الناسخ و المنسوخ*، شمار آنها را ۱۳۸ آیه دانسته است. آیت الله خویی ۳۶ آیه از آنها را، که از دیدگاه ایشان جای بحث و کاوش دارند، نقد و بررسی کرده است.^(۵) سیوطی تعداد آیه‌های منسوخ را ۲۰ آیه می‌داند. وی در پایان، نام این آیات را در ده بیت به نظم کشیده است.^(۶) آیت الله معرفت نیز آیاتی را که در آنها احتمال نسخ داده شده،

۱. محمد باقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۲، ص ۱۱۹-۱۱۸.

۲. محمد هادی معرفت، *التمهید فی علوم القرآن*، ج ۲، ص ۲۷۷.

۳. جلال الدین سیوطی، *الاتقان فی علوم القرآن*، ج ۳، ص ۶۶.

۴. محمد هادی معرفت، *التمهید فی علوم القرآن*، ج ۲، ص ۲۷۴.

۵. ابوالقاسم خویی، *البيان فی تفسیر القرآن*، ص ۲۷۷-۳۸۱. ناگفته نماند که ایشان بر این باور است که فقط یک آیه از قرآن نسخ شده است، برای آگاهی بیشتر به ص ۲۸۶ و ۳۷۶ از همین منبع بنگرید.

۶. جلال الدین سیوطی، *الاتقان فی علوم القرآن*، ج ۳، ص ۷۷-۷۲.

یاد کرده^(۱) و آنها را نقد و بررسی کرده است. نگارنده بر اساس سیاهه ایشان، مسأله ناسخ و منسوخ را در تفسیر شَبْر بررسی کرده است که نتیجه آن بدین قرار است:

مرحوم شَبْر در ذیل ۱۹ آیه از ۹ سوره، مسأله ناسخ را مطرح کرده است که در زیر از نظر تان می‌گذرد:

۱. سوره بقره، آیه‌های: ۱۱۵، ۱۸۴، ۱۹۰، ۲۱۹، ۲۲۱^(۲) و ۲۴۰.

۲. سوره نساء، آیه‌های: ۱۵، ۹۰ و ۹۱.

۳. سوره مائده، آیه‌های: ۱۳ و ۴۳.

۴. سوره انعام، آیه‌های: ۱۱۲ و ۱۵۹.

۵. سوره انفال، آیه‌های: ۶۱ و ۷۲.

۶. سوره توبه، آیه ۴۱.

۷. سوره حجر، آیه ۸۵.

۸. سوره احزاب، آیه ۵۰.

۹. سوره مجادله، آیه ۱۲.

ایشان از این میان، به نسخ هشت آیه از هفت سوره باور دارد:

۱. سوره بقره، آیه‌های: ۱۹۰ و ۲۴۰.

۲. سوره نساء، آیه ۱۵.

۳. سوره مائده، آیه ۱۳.

۴. سوره انعام، آیه ۱۵۹.

۵. سوره انفال، آیه ۷۲.

۶. سوره توبه، آیه ۴۱.

۷. سوره مجادله، آیه ۱۲.

۱. محمد هادی معرفت، جریده الناسخ و المنسوخ فی القرآن حسب تقرير القدامی إلى جنب ملاحظات المحدثین،

ضمیمه التمهید فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۳۹۹-۴۱۴.

۲. ایشان در ذیل این آیه به نسخ آن اشاره نکرده، بلکه در ذیل آیه پنجم از سوره مائده، مسأله نسخ آن را مطرح کرده است.

برای این که به نشانی تنها بسنده نکنیم، برای هر بخش دو نمونه را می آوریم:

الف. طرح مسأله نسخ

۱. ﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ... فَأَيْنَمَا تَوَلَّوْا﴾ إلى أئى جهة صرفتم و جوہکم ﴿فَنَّمَّ وَجْهَ اللَّهِ﴾ جہتہ التی جعلہا قبلہ لکم، أو ذاته أى عالم بما فعلتم فیہ ﴿إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ﴾ الرحمة یوسع علی عبادہ ﴿علیم﴾ بمصالحہم.

قیل: منسوخة بآية «فَوَلَّوْا»^(۱)، و قیل: مخصوصة بحال الضرورة، و المروى عن أنمتنا عليه السلام: أنها نزلت في قبلة المتحير و في التطوع في السفر على الراحلة.^(۲)

۲. ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ إِلَّا بِالْحَقِّ﴾ إِلَّا متلبسة بالحكم و الأغراض الصحيحة ﴿وإن الساعة لآتية﴾ فيجازى كلاً بعلمه ﴿فاصفح الصفح الجميل﴾ أعرض عن قومك إعراضاً بعلم.

قیل: نُسخ بآية السيف و قیل: هو فی حقوقه، فلا نُسَخ.^(۳)

ب. تصریح به نسخ

۱. ﴿وَالَّذِينَ يَتَّبِعُونَكُمْ وَيَدْرُونَ أَرْوَاجَكُمْ... وَصِيَّةً لِّأَرْوَاجِهِمْ مَتَاعاً إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ﴾... يجب على المقارئين للوفاة أن يؤصّوا بأن تمتع أزواجهم بعدهم حولاً بالنفقة و السكنى، و هي منسوخة إجماعاً، و عن الصادق عليه السلام نسخها ﴿بأربعة أشهر و عشر﴾^(۴) (۵)

۲. ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا﴾ ديارهم ﴿و جاهدوا بأموالهم﴾ بالإنفاق ﴿وأنفسهم﴾ بالقتال ﴿في سبيل الله﴾ و هم المهاجرون ﴿وَالَّذِينَ آوَوْا﴾ النبی صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم و المهاجرين ﴿و نصرُوا﴾ المذكورين على أعدائهم و هم الأنصار ﴿أولئك بعضهم أولياء بعض﴾ في النصرة أو الميراث. كان المهاجرون و الأنصار يتوارثون بالهجرة دون الأقارب فنسخه: ﴿و أولوا الأرحام بعضهم

۱. بقره/۱۵۰.

۲. سيد عبد الله شبر، تفسير القرآن الكريم، ص ۴۶، ذیل بقره/۱۱۵.

۳. همان منبع، ص ۴۰۱. ذیل حجر/۸۵.

۴. همان منبع، ص ۷۷، ذیل بقره/۲۳۴.

۵. همان منبع، ص ۸۰-۷۹، ذیل بقره/۲۴۰.

اولی ببعض^(۱) (۲)

بحثهای فقهی

یکی دیگر از ویژگیهای تفسیر شبر، مباحث و دیدگاههای فقهی ایشان است که در ذیل آیات الأحکام نوشته‌اند. گزیده‌هایی از این مباحث، چنین است:

الف. نماز میانی (صلوة وسطی)

فقیهان مسلمان (شیعی و سنی) در این که نماز میانی^(۳) کدام یک از نمازهای پنج‌گانه است، با هم اختلاف دارند. عالمان شیعی نیز به نوبه خود، در این باره دو دیدگاه فقهی دارند. و صاحبان هر دیدگاه نیز برای نظریه خویش مدعی اجماع شده‌اند:

۱. سید مرتضی علم الهدی بر این باور بوده که نماز میانی، همان نماز عصر است. دیدگاه گروهی از فقیهان اهل سنت نیز چنین است.^(۴)

۲. در باور شیخ طوسی، مقصود از نماز میانی، نماز ظهر است^(۵) و نزدیک به همه فقیهان شیعی این دیدگاه را پذیرفته‌اند.^(۶)

مفسران قرآن و مؤلفان کتابهای آیات الاحکام، هنگام تفسیر این آیه، دیدگاههای گوناگونی را یاد کرده‌اند. در این جا برخی از این منابع و شماری از دیدگاههای مطرح شده در آنها را می‌آوریم و سپس وجه اشتراک آنها و در پایان دیدگاه مرحوم شبر را یاد می‌کنیم:

۱. مجمع البیان، ۶ دیدگاه؛^(۷)

۲. البرهانه، یک دیدگاه؛ مؤلف محترم، در تفسیر این آیه، ده روایت آورده است که در

۱. سید عبد الله شبر، تفسیر القرآن الکریم، ص ۶۲۸، ذیل احزاب/۶.

۲. همان منبع، ص ۲۹۳-۲۹۲، ذیل انفال/۷۲.

۳. مفسران و فقیهان، این بحث را در ذیل آیه ۲۳۸ از سوره بقره آورده‌اند.

۴. سید مرتضی، رسائل الشریف المرتضی، المجموعة الاولى، ص ۲۷۵، جوابات المسائل المیافارقیات.

۵. شیخ طوسی، الخلاف، (دفتر انتشارات اسلامی)، ج ۱، ص ۲۹۵-۲۹۴؛ التبیان فی تفسیر القرآن، (دفتر تبلیغات اسلامی)، ج ۲، ص ۲۷۵.

۶. بنگرید به: فاضل مقداد، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۱، ص ۶۱، پانویست نخست.

۷. امین الاسلام طبرسی، ج ۱، ص ۳۴۳، رحلی.

هفت روایت تصریح شده که الصلوة الوسطی، نماز ظهر است. سه روایت باقیمانده درباره موضوعهای دیگری است.^(۱)

۳. المیزان، هفت دیدگاه؛^(۲)

۴. التفسیر الکبیر، (تفسیر فخر رازی)، هفت دیدگاه؛^(۳)

۵. الجامع لأحكام القرآن (تفسیر قرطبی)، ده دیدگاه؛^(۴)

۶. الکشاف، چهار دیدگاه؛^(۵)

۷. روح المعانی، سیزده دیدگاه؛^(۶)

۸. کنز العرفان فی فقه القرآن، هفت دیدگاه؛^(۷)

۹. مسالک الأفهام إلى آیات الاحکام، شش دیدگاه؛^(۸)

همه این دیدگاهها در چهار نماز اتفاق دارند که عبارتند از: نماز ظهر، عصر، مغرب و صبح. برخی نیز نمازهای دیگری را، غیر از نمازهای پنجگانه، مصداق نماز میانی دانسته‌اند، ولی بیشتر مفسران شیعی برآنند که نماز ظهر، نماز میانی است، همان گونه که مفسران اهل سنت نماز عصر را نماز میانی دانسته‌اند. مؤلف تفسیر البرهانه، در میان مفسران شیعی بر این باور است که تنها مصداق الصلوة الوسطی، نماز ظهر است. در میان مفسران اهل سنت، فخر رازی در تعیین مصداق برای نماز میانی، اظهار نظر نکرده است. دیدگاه فقهی مرحوم شبر در این مسأله نیز مانند دیدگاه مشهور فقیهان شیعی است و آن این است که مقصود از «الصلوة الوسطی»، نماز ظهر است و این نظرگاه را مشهورتر و

۱. سید هاشم بحرانی، ج ۱، ص ۲۳۱-۲۳۰.

۲. سید محمد حسین طباطبایی، ج ۲، ص ۲۵۸-۲۵۹.

۳. فخر رازی، ج ۶، ص ۱۶۲-۱۵۷.

۴. انصاری قرطبی، ج ۳، ص ۲۱۳-۲۰۹.

۵. محمود زمخشری، ج ۱، ص ۲۸۸-۲۸۷.

۶. سید محمود آلوسی، ج ۲، ص ۱۵۶.

۷. فاضل مقداد، ج ۱، ص ۶۳-۶۱. تصحیح کنندگان این کتاب، آقایان محمد باقر شریف زاده و محمد باقر بهبودی، دیدگاههای فقهی فقیهان شیعی و سنی را استقصاء کرده‌اند که هفده دیدگاه می‌شود. بنگرید به:

همان منبع، ص ۶۱-۶۲.

۸. محمد جواد کاظمی (مشهور به فاضل جواد)، ج ۱، ص ۱۲۵-۱۲۱.

قویتر می‌داند. او در ذیل این آیه می‌نویسد:

«حافظوا علی الصلوات» بأدائها لأوقاتها بحدودها «و الصلوة الوسطی» و اختلف فيها، و بكل واحد من الخمس قائل، و الأشهر الأقوی عندنا أنها الظهر فی غیر الجمعة و الجمعة يوم الجمعة.^(۱)

بدین سان از دیدگاه مرحوم شُبْر، نماز جمعه، جایگاه نماز ظهر را دارد. از جمله پایانی «الجمعة يوم الجمعة» بر می‌آید که اگر کسی نماز ظهر را در روز جمعه به جا آورد، چه نماز جمعه بگذارد یا نه، نماز میانی به شمار نمی‌آید. مؤید این برداشت، دیدگاه ایشان در ذیل آیه سوم از سوره جمعه است، زیرا از ظاهر سخن ایشان در آن جا چنین بر می‌آید که ایشان به وجوب تعیین نماز جمعه باور دارد، گرچه مشهور فقیهان شیعی، وجوب عینی نماز جمعه را به زمان ظهور امام زمان (ارواحنا له الفداء) مشروط کرده‌اند.

ب. آیه ستر یا مرزهای پوشش

مطالب زیر از دیدگاه فقه اسلامی درباره پوشش زنان، قطعی و مسلم است:^(۲)

۱. پوشاندن همه اندام بجز چهره و دستان تا میچ^(۳)، بر زن واجب است.
۲. مسأله «وجوب پوشش» که وظیفه زن است، از مسأله «حرمت نگاه به زن»، که مربوط به مرد است، جداست، زیرا ممکن است کسی پوشش چهره و دستان را واجب نداند، ولی نگاه کردن به آنها را حرام بداند؛ همانند این که پوشاندن سر بر مرد لازم نیست، ولی این، دلیل بر جواز نگاه زن به سر و بدن مرد نمی‌شود.
۳. نگاه کردن از روی «تَلَدُّذ»^(۴) یا «ریبه»^(۵) حرام است، حتی درباره زنانی که با انسان

۱. سید عبد الله شُبْر، تفسیر القرآن الکریم، ص ۷۹، ذیل بقره/۲۳۸.

۲. بنگرید به: شهید مطهری، مسأله حجاب، ص ۱۶۵-۱۶۴؛ سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، کتاب الصلوة، فصل فی الستر و الساتر، ص ۴۱۹-۴۱۴.

۳. البته به شرط این که چهره و دستان، از هر گونه آرایش جالب توجه، محرک و مهیج خالی باشند. برای آگاهی بیشتر به دو منبع پیشین مراجعه فرمایید. از منبع نخست: ص ۱۶۷، را مطالعه فرمایید.

۴. تلذذ یعنی لذت بردن، و نگاه از روی تلذذ، یعنی نگاه به قصد لذت بردن باشد.

۵. ریبه نگاهی است که از روی تلذذ و چشم چرانی نیست، ولی ویژگی نگاه کننده و نگاه شونده به گونه‌ای

محرم هستند. تنها موردی که استثنا شده، نگاهی است که مقدمه‌خواستگاری باشد. البته شرطش این است که واقعاً هدفِ شخص، ازدواج باشد، نه آن که برای چشم چرانی، قصد ازدواج را بهانه قرار دهد، زیرا در این صورت، مصداقِ نگاه از روی تلذذ یا ریبه خواهد بود، که حرمت این دو، قطعی و مسلم است.^(۱)

در آیه‌ای از قرآن کریم^(۲) که در اصطلاح فقیهان، به آیه ستر یا پوشش مشهور است، خداوند مرزهای پوشش اسلامی را برای زنان، معین کرده است. بخشی از این آیه مورد بحث ماست، زیرا این بخش معرکه‌آرای فقیهان مذاهب مشهور اسلامی است. شیخ طوسی در کتاب **الخلافة** دیدگاه فقیهان این مذاهب را آورده است. گزیده مطالب ایشان در این باره چنین است:

«شیعه امامیه بر این باور است که نگاه کردن به زن بیگانه به قصد ازدواج، جایز و رواست، مرزهای نگاه خواستگار، عضوهایی است که عورت نیستند. ابو حنیفه، مالک و شافعی نیز بر این باور بوده‌اند. ولی تعریف عورت از دیدگاه این فرقه‌ها با هم فرق دارد، زیرا فقیهان شیعه، مالک و شافعی، فقط چهره و دستها را تا معج، عورت نمی‌دانند، ولی از ابو حنیفه در این باره دو دیدگاه نقل شده است: ۱. دیدگاه پیشگفته. ۲. پاهای تا معج

→ است که ترس آن وجود دارد که به دنبال نگاه کردن، لغزشی پدید آید. برای آگاهی بیشتر بنگرید

به: سید محمد شیرازی، **الفقه**، ج ۲، کتاب النکاح، ص ۱۷۱.

۱. برای آگاهی بیشتر از احکام مربوط به زنان، به کتاب **احکام بانوان**، گردآوری محمد وحیدی، و **احکام دوایست زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان**، تهیه و تنظیم سید مسعود معصومی، مراجعه فرمایید.
۲. نور/۳۱. میان اصطلاح پوشش و حجاب، فرق است. پوشش همان حجاب مصطلح، معادل کلمه ستر و برگرفته از آیه مورد بحث است. آیه‌های ۲۷ تا ۳۱ سوره نور و مشخصاً آیه اخیر، درباره پوشش اسلامی است. کلمه حجاب هم به معنای پوشیدن و هم پرده است، ولی بیشترین کاربرد آن همان معنای دوم است. شاهد این مطلب آن است که فقهای ما زیل عنوان «ستر» درباره پوشش اسلامی سخن گفته‌اند نه ذیل عنوان «حجاب». این کلمه که بر پوشش زنان کاربرد روزمره دارد، برگرفته از آیه ۵۳ سوره احزاب است، ولی باید دانست که آیه حجاب (احزاب/۵۳) بیانگر پوشش و حجاب مصطلح نیست، بلکه درباره شیوه رفت و آمد مسلمانان به خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و برخورد آنان با همسران آن حضرت صلی الله علیه و آله است. آیه ۵۹ سوره احزاب که مشهور به آیه جلیباب است نیز نمی‌تواند بیانگر مرزهای پوشش باشد. برای آگاهی بیشتر به منبع پیشین، ص ۱۶۳-۱۵۴، مراجعه فرمایید.

نیز عورت نیستند...^(۱)

شیخ طوسی برای دیدگاه خویش، سه دلیل و یک مؤید می آورد. دلیلها عبارتند از:

۱. اجماع. ۲. روایات. ۳. آیه: ﴿لَا يَدِينُ زِينَتَهُ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾^(۲) که مورد بحث ماست. مؤید نیز دیدگاه مفسران در تفسیر این آیه است که گفته اند: چهره و دستان، عورت نیستند.^(۳)

مرحوم شبر در ذیل آیه مورد بحث، زینتی که نامحرم نباید آن را ببیند، زیورها (گوشواره، گردن بند، بازو بند و انگو)، لباسهای زیر (لباس خانه و خواب) و آرایش صورت (اصلاح و آرایش) می داند و اضافه می کند:

نه تنها آشکار نمودن اندامهایی که زینت می شوند حرام است، بلکه آشکار کردن خود زینت به شیوه برتر حرام و نارواست.^(۴)

وی آن گاه در بخش موارد استثنا شده، تأکید می کند که نمایان شدن لباسهای غیر خانه و خواب، اشکال ندارد و مقصود از زینت ظاهر را که آشکار شدن آن نیز بی اشکال است، چهره و دستان تا میچ می داند، البته در صورتی که از هر گونه آرایش خالی باشند.

عبارت ایشان در تفسیر بخش مورد نظر از آیه ۳۱ سوره نور چنین است:

﴿وَلَا يَدِينُ زِينَتَهُ﴾ كَالْحُلِيِّ وَالنِّيَابِ وَالْأَصْبَاغِ فَضْلًا عَنْ مَوَاقِعِهَا لِمَنْ يَحْرَمُ إِبْدَائِهَا لَهُ ﴿إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ كَالنِّيَابِ، وَالْمَرَادُ بِالزَّيْنَةِ مَوَاقِعِهَا، وَالْمَسْتَثْنَى الْوَجْهَ وَالْكَفَّانَ وَهُوَ الْمَرْوِيُّ.^(۵)

۱. شیخ طوسی، الخلاف، ج ۴، ص ۲۴۸-۲۴۷.

۲. نور/۳۱.

۳. شیخ طوسی، الخلاف، ج ۴، ص ۲۴۹-۲۴۷.

۴. برای آگاهی بیشتر بنگرید به: احکام بانوان، گردآوری و تنظیم محمد وحیدی، ص ۱۵-۳۷؛ احکام روابط زن و مرد و مسائل اجتماعی آنان، تهیه و تنظیم سید مسعود مسعودی.

۵. سید عبد الله شبر، تفسیر القرآن الکریم، ص ۵۳۲، ذیل نور/۳۱.

ج. متعه

این یک قانون کلی و عمومی است که اگر به غرایز طبیعی انسان به گونه‌ای درست پاسخ گفته نشود، برای اشباع آنها متوجه راههای انحرافی خواهد شد... این موضوع بویژه در عصر ما که سن ازدواج بر اثر طولانی شدن دوره تحصیل و مسائل پیچیده اجتماعی بالا رفته، و کمتر جوانی می‌تواند در سن مناسب اقدام به ازدواج کند، شکل حادث‌تری به خود گرفته است.^(۱) ناگفته پیداست که در صورت رسمی شدن متعه در جامعه، بیش از هر چیز باید قوانینی محکم و دارای ضمانت اجرایی حتمی، از سوی مراجع قانونگذاری تصویب شود تا بدین وسیله هوسبازان و عیاشان مهار شوند تا از ازدواج موقت تنها به عنوان وسیله‌ای سالم برای کاهش و مهار ناهنجاریهای اجتماعی استفاده شود، نه به عنوان راه و بهانه‌ای برای فرو پاشی خانواده‌ها. چرا که این یک موضوع قرآنی است و خداوند آن را برای شرایط ویژه‌ای که در زندگی پیش می‌آید، پیش بینی کرده است. آن جا که می‌فرماید:

﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً﴾^(۲)

و زنانی را که متعه (ازدواج موقت) می‌کنید، واجب است مهر آنان را بپردازید.^(۳)

مرحوم شبّر در ذیل این آیه می‌نویسد:

«مراد از «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ» به اجماع اهل بیت، ازدواج موقت است. قرائت اُبّی و ابن عباس و ابن مسعود بیانگر این معناست، زیرا آنان پس از جمله «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ» عبارت «إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى» را (به عنوان تفسیر و تبیین استمتاع) افزوده‌اند.»

د. ازدواج با زنان غیر مسلمان

آیه‌ای که درباره این موضوع نازل شده است و معركة الآرای فقیهان بوده و هست، آیه ۵ سوره مائده می‌باشد، آن جا که می‌فرماید:

﴿... وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ﴾

۱. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۴۲-۳۴۱. با تصرف و اختصار.

۲. نساء/۲۴.

۳. ترجمه قرآن، آیت الله مکارم شیرازی.

آغاز این آیه دربارهٔ حلال بودن طعام اهل کتاب است، ولی در این بخش دربارهٔ حلال بودن و روا بودن ازدواج با زنان پاکدامن از اهل کتاب سخن می‌گوید:

«زنان پاکدامن اهل کتاب برای شما حلال هستند و می‌توانید با آنها ازدواج نمایید.»

مرحوم شبر بر این باور است که: «ظاهر این بخش از آیه، حلال و روا بودن ازدواج با هر زن اهل کتاب است، چه ذمی باشد و چه حربی، چه ازدواج دائم باشد و چه موقت و چه کنیز باشد (یا آزاد).» و نیز معتقد است که این آیه، مخصوص آیهٔ ۲۲۱ از سوره بقره است. البته به شرطی که آیهٔ ۲۲۱ سوره بقره را شامل زنان اهل کتاب بدانیم.

مرحوم شبر در پایان از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که آیهٔ ۲۲۱ سوره بقره به وسیلهٔ آیهٔ ۵ سوره مائده (آیهٔ مورد بحث) نسخ شده است.^(۱)

دیگر ویژگیها

۱. ارجاع: اگر دو آیه با هم تشابه دارند و پیش از این یکی از آن دو را تفسیر کرده است، پس از رسیدن به آیهٔ دوم، از تکرار مطالب خودداری نموده و خواننده را به آیهٔ پیشین ارجاع می‌دهد. مثال: ارجاع آیهٔ سوم از سوره انفال بر آیهٔ چهارم از سوره بقره، آیهٔ ۷ از سوره حشر بر آیهٔ ۴۱ از سوره انفال، آیهٔ ۶ از سوره مائده بر آیهٔ ۴۲ از سوره نساء.
۲. دیدگاه دیگر مفسران را به اختصار نقل کرده، ولی ذکر آن نام آنان به میان نمی‌آورد.
۳. همان گونه که خود در پیشگفتار تفسیرش نوشته است، تفسیرش روایی است و بیشتر از روایات اهل بیت علیهم السلام استفاده کرده است. این مهم را در برخی موارد به صراحت و بیشتر بدون تصریح انجام می‌دهد.
۴. گهگاهی نیز از تفسیر قرآن به قرآن بهره برده است.
۵. مرحوم شبر در این تفسیر با نهایت دقت، میان ایجاز مطلب و بیان دقیق آن گرد

۱. این که اهل کتاب کیانند و آیا اهل کتاب با مشرکان یکی هستند یا نه؟ برای دریافت پاسخ به تفسیر المیزان و تفسیر نمونه ذیل دو آیه بالا مراجعه فرمایید. البته برخی از محققان بزرگ برآنند که آیهٔ ۵ سوره مائده مخصوص آیهٔ ۲۲۱ سوره بقره است، نه ناسخ آن. بنگرید به: التمهید فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۳۲۵، و جریده الناسخ و المنسوخ فی القرآن، از استاد آیت الله معرفت، مندرج در پایان جلد سوم.

آورده است.

۶. مشکلات و غرایب آیات قرآن را مورد بحث قرار داده است.

۷. مفسر محترم در بیشتر - نزدیک به همه - موارد اظهار نظر نمی نماید، بویژه هنگامی که در یک آیه دیدگاههای بسیاری را می آورد.

بخش سوم: کاستیهای تفسیر شبّر

از آن جا که فرآورده اندیشه هیچ بشری، جز معصومان علیهم السلام، از کاستی تهی نیست تفسیر شبّر نیز از این قاعده بیرون نیست. بر اساس کاوشی که در این تفسیر داشتیم، به کاستیهایی برخوردیم که در زیر بدانها می پردازیم:

۱. مفسر محترم در بیشتر موارد، دیدگاه خود را ابراز نکرده است. گاه در ذیل یک آیه، هشت دیدگاه یاد می شود، ولی خواننده نمی داند نظر نویسنده کدام است؛ مثلاً در ذیل آیه نخست از سوره بقره می نویسد:

«الم» قیل: هی اسماء للسور، و قیل: مختصرة من کلمات، فهالم» معناه: أنا الله أعلم و قیل: إشارة إلى مدة و آجال بحساب الجمل، و قیل: مقسم بها، و قیل: أسماء للقرآن، و قیل: أسماء الله تعالی، و قیل: سر الله، و قیل: من المتشابه. ^(۱)

۲. از کاستیهای این تفسیر، پیچیدگی عبارتهای آن است که خواننده را در استفاده از آن، با مشکل روبرو می سازد، یک تفسیر گزیده، عبارتهایی کوتاه دارد، ولی گزینش کلمه های ساده و چینش درست و جمله بندی بسامان آنها، راهی کوتاه برای فهماندن معنای آیات الهی است که تفسیر یا هر اثر گزیده دیگر را از پیچیدگی بیرون می آورد و به طور طبیعی، خواننده را به مطالعه خویش جلب می کند. به عنوان نمونه، در ذیل آیه ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ از سوره حمد، این کاستی بروشنی نمایان است و ما برای پرهیز از تطویل، از آوردن عبارتهای شبّر خودداری می کنیم.

۱. سید عبد الله شبّر، تفسیر القرآن الکریم، ص ۱۷، ذیل بقره ۱.

۳. تطویل نابجا. مؤلف در تفسیر برخی از آیات، از دایره گزیده نویسی فراتر می‌رود که نتیجه آن اطناب مُملّ و آزار دهنده‌ای است.

۴. تفسیر نکردن بسیاری از آیه‌ها.

همان گونه که خواهد آمد، مرحوم شبر سه اثر در تفسیر قرآن نگاشته که این تفسیر از همه گزیده‌تر است و از آن برمی‌آید - طبیعت کار نیز باید چنین باشد - که خواننده به محض مطالعه آن، معانی آیات را در همان حد دریابد و در صورت احساس نیاز بیشتر به تفسیرهای مشروح مراجعه کند. از این گذشته، یکی از ویژگیهای تفسیرهای گزیده، این است که نخستین گامهای ورود در وادی تفسیر و دریافت معانی بلند قرآن کریم باشد. از این رو، برخی از اندیشه‌وران دانش تفسیر و علوم قرآنی، تفسیر شبر را نخستین گام در فراگیری دانش تفسیر می‌دانند.^(۱) با این حال، بسیاری از آیات، بدون تفسیر رها شده است که سبب می‌شود خواننده ره به جایی نبرد.

۵. معلوم نبودن منابع دیدگاههای تفسیری. مفسر محترم منابع هیچ یک از دیدگاههای تفسیری را جز بندرت، آن هم دربارهٔ اختلاف قرائتها^(۲)، مشخص نکرده است.

۶. کاستی دیگر این تفسیر، دیدگاه مرحوم شبر در ذیل آیه سوم از سوره نساء و آیه نهم از سوره حجر است. ما به دلایلی از آوردن این دیدگاه خودداری می‌کنیم و خواننده محترم را به دیدگاه تفسیری ایشان در ذیل دو آیه یادشده، ارجاع می‌دهیم.

بخش چهارم: نسخه‌های تفسیر شبر

مرحوم شبر سه تفسیر بر قرآن نوشته است: ۱. بزرگ، به نام «صفوة التفسیر». ۲. میانه، به نام «الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین». ۳. کوچک، به نام «تفسیر وجیز» که به تفسیر شبر معروف است. ما در این نوشتار هر جا نامی از تفسیر شبر می‌بریم، منظور «تفسیر وجیز»

۱. محمد هادی معرفت، روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۳۹۴۱، تاریخ ۱۴/۱۰/۱۳۷۱، ص ۱۱.

۲. سید عبد الله شبر، تفسیر القرآن الکریم، ص ۱۱۷، ذیل آل عمران/۱۱۰، پانویث نخست.

است. این تفسیر، گزیده تفسیر الجواهر الثمین است. به رغم تلاش نگارنده برای دستیابی به دو تفسیر نخست، هیچ اثری از آنها یافت نشد. گرچه شیخ آقا بزرگ در الذریعه می‌نویسد: صفوة التفاسیر چاپ شده است.^(۱) همو درباره الجواهر الثمین چنین آورده است:

«نسخه خطی آن را به دستخط مؤلف، نزد نوه‌اش مرحوم سید محمد بن حسین بن عبدالله دیدم. این نسخه اکنون نزد فرزندش سید علی بن محمد است.»^(۲)

برخی از قرآن پژوهان، نسخه چاپی آن را دیده و معرفی نموده‌اند.^(۳)

تفسیر وجیز

نسخه خطی این تفسیر نیز به دست نیامد. مبنای تحقیق این جانب نسخه‌ای است که در سال ۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۶ م در مصر برای بار دوم تجدید چاپ شده است. این نسخه به سال ۱۳۵۲ ق در تهران، چاپخانه مجلس شورای ملی برای نخستین بار چاپ شده است. نسخه چاپ ایران بر اساس نسخه‌ای خطی به خامه آقای سید محمد شفیع حسینی طالقانی اورازانی است که در سال ۱۲۴۷ هـ از روی نسخه اصلی استنساخ شده است. نسخه چاپ مصر (مبنای کار این جانب) به سرپرستی و نظارت آقای شیخ حسن زیدان طلبه با نسخه چاپ ایران، مقابله، تصحیح و سپس به وسیله آقای دکتر حامد حنفی داوود بازنگری شده است.^(۴) این نسخه در دو قطع رحلی و وزیری به همت انتشارات دارالهجرة در قم چاپ شده است. قطع رحلی، نوبت و تاریخ چاپ ندارد، ولی قطع وزیری در سال ۱۴۱۰ و ۱۴۱۲ هـ تجدید چاپ شده است. چاپ اخیر به مناسبت اولین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران بوده است.

مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی درباره تفسیر شبر می‌نویسد:

«مختصر و گزیده تفسیرش «الجواهر الثمین» است. سال ۱۲۳۹ هـ اختصار و گزینش

۱. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۱۵، ص ۴۸.

۲. همان منبع، ج ۵، ص ۲۸۸.

۳. سید محمد علی ایازی، المفسرون، حیاتهم و منهجهم، (تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) ص ۴۳۵ به بعد.

۴. مقدمه تفسیر شبر به خامه دکتر حامد حنفی داوود. با این حال کاستیهایی دارد.

آن انجام شده است. نسخه خطی آن را به دستخط شبر در نزد نوه‌اش علی بن محمد بن علی بن حسین بن عبد الله شبر دیدم. نسخه دیگری از آن را به خط نویسنده دیدم که بر آن خط صاحب جواهر نقش بسته بود. این نسخه نیز در نزد نوه پیشگفته شبر است. نسخه سومی را نیز در کتابخانه تقوی در تهران دیدم که سید نصر الله (تقوی)، صاحب کتابخانه آن را در سال ۱۳۵۲ هـ تصحیح و چاپ نمود.^(۱)

ویژگیها و ترتیب نسخه آقای حامد حفنی داوود بدین قرار است:

۱. مقدمه آقای دکتر حامد حفنی داوود.
۲. مقدمه تفسیر آلاء الرحمن از مرحوم محمد جواد بلاغی.
۳. زندگینامه شبر، برگزیده از روضات الجنات.
۴. زندگینامه شبر، برگزیده از رساله سید محمد معصوم.
۵. فهرست مطالب بالا.
۶. تفسیر شبر. بدین صورت که حاشیه وار در هامش قرآن و به گونه مزجی چاپ شده است؛ یعنی تمام قرآن به صورت جداگانه و به ترتیب آمده، آن گاه مفسر محترم آیات را تفسیر مزجی نموده است.
۷. خاتمه تفسیر به قلم محمد شفیع حسینی پیشگفته. (ناسخ تفسیر شبر)
۸. خاتمه چاپ دوم به قلم استاد حسن زیدان طلبه مصحح و ناظر چاپ تفسیر.
۹. دعای ختم قرآن حضرت امام زین العابدین علیه السلام.
۱۰. خاتمه دیگر درباره قرآن چاپ شده به همراه تفسیر که از طرف کمیته بازنگری چاپ قرآنها در مصر می باشد. این خاتمه در بردارنده این عناوین است: ۱. خاتمه، ۲. تعریف بهذا المصحف الشريف، ۳. اصطلاحات الضبط، ۴. علامات الوقف، ۵. نام عده‌ای از مدرسان قرآن و اسامی اعضای کمیته بازنگری قرآنها در دانشگاه الازهر مصر.
۱۱. فهرست سوره‌ها و صفحات تفسیر هر کدام.

۱. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۲۵، ص ۴۲، ضمناً نامبرده در سه مورد کاستیهای تفسیر شبر را به صورت پانوشت جبران کرده است. آن سه مورد عبارتند از: ۱. سوره بقره/ ۷۱. ۲ و ۳. نساء/ ۵۴ و ۱۱۷.

۱۲. دلیل الآيات القرآنية (کشف الآيات)، نوشته آقای مرتضی سید محمد مرتضی رضوی.

همان گونه که گذشت، تفسیر شبّر با تصحیح و نظارت آقای شیخ حسن زیدان طلبه و بازنگری آقای دکتر حامد حفنی داوود در مصر چاپ شده است. به رغم تصحیح و نظارت و بازنگری، غلطهای چاپی فاحشی در آن به چشم می خورد. مؤسسه محترم دار الهجرة نیز همان را به صورت افست تجدید چاپ کرده است. این در حالی است که در صفحه نخست تفسیر، این جمله خود نمایی می کند: «طبعة ثانية و تمتاز على الطبعة الاولى بزيادات و إصلاحات هامة»

خط ریز این تفسیر که ناشی از وجود مصحف شریف در متن است، این کتاب را از شمار کتابهای درسی خارج نموده است. بویژه آن که اندازه حروف آیات با حروف تفسیر یکسان است، در حالی که می بایست آیات، درشت تر از تفاسیر نوشته می شد. نیز چنین نیست که تفسیر آیات یک صفحه در همان صفحه پایان یابد، بلکه بخشی از آیات در صفحه دیگر تفسیر شده است.

انتشارات اسوه وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه بتازگی به چاپ تفسیر شبّر اقدام کرده است. این چاپ ویژگیهای چاپ مصر و ایران را ندارد و تنها تفسیر شبّر را - که مزجی است - آورده است. طبعی نفیس و زیبا دارد، ولی متأسفانه اغلاط چاپی چاپ مصر بدان راه یافته است که امید است در چاپهای بعدی این کاستی، اصلاح شود. نقص دیگری که این چاپ دارد، نبود شماره سوره ها در فهرست سور است. این کاستی در متن تفسیر نیز وجود دارد، زیرا شماره سوره ها را در کنار آن نیز ننوشته اند.^(۱)

۱. علاوه بر این، صفحه آرایسی نسخه ای که در دسترس این جانب بود، نازیباست، چرا که گاهی در طرف راست و زمانی در سمت چپ صفحه، نام سوره را نوشته است، و این ناهماهنگی در کنار کاستیهای بالا از زیبایی آن کاسته است.

پیشنهادهای نگارنده

۱. اگر مدرسی آشنا با تفسیر، تدریس این کتاب را عهده‌دار شود، در این صورت می‌تواند یک کتاب درسی برای حوزه‌های علمی و کسانی که خواهان تحصیل در رشته تفسیر هستند، به عنوان پله نخست مطرح باشد.
۲. برای این مهم، نسخه چاپ اسوه - در صورت تصحیح و چاپ مجدد و رفع کاستیها- برای کتاب درسی مناسب است.
۳. از آن جا که تفاسیر گزیده و گویا راهبردی به سوی فهم و دریافت قرآن کریم می‌باشد، ضروری است که قرآن پژوهان صاحب قلم، آثاری این چنین و با قالبهای نو و هماهنگ با آخرین تحقیقات قرآن شناسان و مفسران شیعه تألیف نمایند، بویژه آن که در زبان فارسی، رشته تفسیر و علوم قرآنی، گرایش نوپا و نیازمند کاوش بیش از پیش است.
۴. کسانی که با زبان قرآن و تفسیر، آشنایی و قلمی روان و امروزی دارند، می‌توانند برگردانی فارسی از این تفسیر را به مردم ارجمند و قرآن دوست ایران اسلامی بویژه جوانان گرامی، عرضه کنند. در این صورت خدمتی بس بزرگ به قرآن و قرآن جویان پارسی زبان نموده‌اند.

والحمد لله اولاً و آخراً

